| تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ |

روش‌شناسی تکوینی: نگاهی تحولی به پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی اسلامی

فرهاد خرمائی*

دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

khormaei@shirazu.ac.ir

چکیده

در حوزهٔ شـــناخت علمی چگونگی دستیابی به واقعیت و شیوهٔ دسترسی به یافته‌ها گاه اهمیت بیشـــتری از خود یافته‌ها دارد، چراکه اعتبار و سودمندی یافته‌ها وابسته به روش‌هایی اســـت که محققان در فرآیند تحقیق به‌کار می‌گیرند. روش‌شناســـی تکوینی نگاهی هدفمند به پژوهش اســـت که با مبنا قراردهی فلســـفهٔ اســـلامی به‌صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به‌صورت خاص کوشـــش دارد واقعیت (گذشته/حال/آینده) را مورد شناسایی قرار دهد. این روش‌شناسی مبتنی بر فرانظریه تکوینی است که با قبول مبانی اساسی حکمت صدرایی (اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری) منطقی را پیشنهاد می‌دهد تا راهنمای پژوهشگران برای ورود به علوم تجربی انسانی- اجتماعی در بستر اندیشه اسلامی باشد. روش این پژوهش هستاریابی تکوینی از نوع هستارانگاری توصیفی- استنتاجی است که در آن پژوهشگر با تشریح مؤلفه‌های فرانظریه تکوینی و روش‌شناسی مفروض در این فرانظریه تلاش نموده است، دستگاهی شـــناختاری با عنوان دستگاه «مختصات کروی تکوینی» را پیشنهاد دهد. این دستگاه فضایی توپولوژیک را فراهم می‌آورد که مختصات رویدادهای مشاهده‌شـــده که با عنوان هستار از آن یاد می‌شود، قابل بازنمایـــی کمی، کیفی، مکان‌منـــدی، زمان‌مندی، اثرگـــذاری، اثرپذیری و دیگر مختصاتی که امکان شناخت رویدادهای درون فردی و بیرون فردی و تبادل فرد و کرانمندی‌های او یا آنچه او را احاطه کرده است را فراهم می‌آورد. در این مقاله ابتدا با معرفی رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی و دســـتگاه مختصات کروی تکوینی

* https://orcid.org/0000-0001-9357-7068

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

به روش‌های پژوهش در این رویکرد اشـــاره خواهد شـــد و با استنتاج ویژگی‌های روش‌شناسی تکوینی، تلویحات این روش‌شناسی برای علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی موردبحث قرار می‌گیرد. حسب‌نظر مؤلف این نگارش، روش‌شناســـی تکوینی رهیافتی قابل‌توجه در مواجهه با پرســـش دشـــوار چیستی روش‌شناسی و چگونگی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی اسلامی است.
کلیدواژه‌ها: هستی‌شناســـی، رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی، روش‌شناســـی تکوینی، هستارشناسی، هستاریابی تکوینی، هستارانگاری تکوینی.

مقدمه

ایده اسلامی‌ســـازی علوم که بیشـــتر با عنوان علوم دینی از آن یاد می‌شـــود در پنجاه ســـال گذشته به‌صورت جدی در جهان مطرح بوده است و نظریات متنوع و متکثری در ارتباط با امکان، ضرورت و چگونگی دســـتیابی به آن ارائه شده است (موحد ابطحی، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲). در سال‌های اخیر در ایران نیز محققین و اندیشـــمندان گام‌های ارزنده‌ای برای تحقق این ایده برداشته‌اند.[۱] هریک از این رویکردها در جایگاه خود وجوه امتیاز، برتری‌ها و همچنین اشـــکالات و نقض‌هایی دارند (ر.ک: موحد ابطحی، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲). رویکرد تکوینی نیز در بستر اندیشه اسلامی، کوششی در راستای پیوند بین دین و علم است. این رویکرد تلاش دارد که با طرح نظریه‌ای جایگزین، رویکردی تجربی در مطالعات علوم انســـانی و اجتماعی پیشـــنهاد دهد و قابلیت این رویکرد را در ورود به مطالعات اجتماعی و انســـانی به بحث گذارد. رویکرد تکوینی با مبنا قراردهی فلسفه اسلامی به‌صورت عام و حکمـــت متعالیه صدرایی به‌صورت خـــاص و پذیرش مباحث اصالت وجود، تشـــکیک وجود و حرکـــت جوهری یک متاتئوری یـــا فرانظریه با عنوان فرانظریه تکوینی را مطرح کرده اســـت. این فرانظریه نوعی روش‌شناسی را پیشـــنهاد می‌دهد تا راهنمای پژوهشگران برای ورود به علم تجربی انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه اسلامی باشد.

۱. مبانی فلسفی رویکرد تکوینی

تکوین در لغت به معنی شـــکل‌گیری، ایجاد، پیدایش، شـــدن، هســـتی بخشیدن و هستایش است

۱. برای مثال ر.ک: باقری، ۱۳۸۲؛ بســـتان، ۱۳۸۴؛ گلشنی، ۱۳۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶؛ پسندیده، ۱۳۸۶؛ رشاد، ۱۳۸۷؛ ســـوزنچی، ۱۳۸۸؛ حســـنی و علی‌پور، ۱۳۹۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰؛ میرباقری، ۱۳۹۱؛ ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲؛ خسروپناه، ۱۳۹۳؛ پیروزمند، ۱۳۹۳؛ واسطی، ۱۳۹۸؛ تقوی، ۱۳۹۹ و زاهد زاهدانی، ۱۴۰۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

(دهخدا، ۱۳۷۷). مبانی فلسفی رویکرد تکوینی ریشه در فلسفه اسلامی به‌صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به‌صورت خاص دارد. این رویکرد سه اصل اساسی اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری فلسفه صدرایی را می‌پذیرد و بر این دیدگاه است که علی‌رغم مشاهده پراکندگی هستی که در تصویر نخست گویای کثرت و پیچیدگی است، یک نوع هماهنگی در جهان هستی ملاحظه می‌شود که تحقق هدفی را دنبال می‌کند. لذا جهان هدفمند است و یک نوع هوشمندی بر جهان هستی حاکم است و آنچه اصل است جست‌وجوی وحدت و یکپارچگی است. به‌عبارتی حرکت جهان به سمت توحید و وحدانیت است. این رویکرد وجود یا هستی را واقعیت می‌داند (اصالت وجود) که دارای سلسله‌مراتبی است (تشکیک وجود) بنابراین اصالت با وجود است که طی حرکت (حرکت جوهری) به‌صورت‌های مختلف نمود می‌یابد. لذا وجود یا هستی امری واحد (وحدت وجود) است که کثرات مختلف می‌یابد.

در رویکرد تکوینی، علم به‌عنوان شناخت هستی از طریق توصیف (تشخیص، تعریف و طبقه‌بندی) و توضیح (تبیین رابطه و نسبت بین عناصر) جهت گسترش دانایی انسان و هدایت او در مسیر تکوین تعریف می‌شود. بنابراین هنگامی‌که محقق وجود را مقید کرد و بر آن قید زد، به‌عبارتی آن را تعریف نمود و توصیف کرد، وجود (هستی) تبدیل به موجود (هستار) می‌شود، بنابراین هستار (موجود) مناسبات بین مجموعه‌ای از عناصر است که توصیفگر و توضیح‌دهنده واقعیت است. لذا از طریق مطالعه هستار می‌توان واقعیت را شناخت. شکل‌گیری این شناخت نیز فرآیندی تکوینی است که طی آن وضوح‌بخشی و شفافیت هستار به‌وقوع می‌پیوندد و این مسیر با کاربست روش‌شناسی تکوینی جریان می‌یابد. رویکرد تکوینی علمی را خوب می‌داند که بتواند خطا و صحیح را به انسان جهت هدایت در مسیر تکوین نشان دهد (خرمائی، ۱۳۹۰). این رویکرد هستی را در جریان و سیلان (حرکت جوهری) می‌بیند که باتوجه‌به اصل تشکیک وجود محقق مراتبی از وجود (افق رویداد) را مشاهده می‌کند. بنابراین وجود (واقعیت) دارای مراتب مختلف است و هستی در مراتب مختلف در حال شدن و تکوین است. بنابراین واقعیت ایستا نیست و در مراتب مختلف تنوع جلوه می‌یابد، لذا با شناسایی هر واقعیت نمود دیگری از واقعیت متجلی می‌شود و تلاش انسان برای رسیدن به واقعیت به انتها نمی‌رسد، لیکن کشفی در پی کشف دیگر اتفاق خواهد افتاد و انسان مسیر شدن را طی خواهد کرد. بنابراین در این رویکرد علم و روشی در علم خوب است که بتواند خطا و صحیح را به انسان نشان دهد (خرمائی، ۱۳۸۵) و به او کمک نماید که خطاها را شناسایی و تصحیح کند و صحیح را ترویج نماید و همچنین با افزایش دانایی محقق را در مسیر تکوین الهی جهت دهد (علم نافع).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

۲. فرا نظریه[1] تکوینی

فرانظریه به یک نظریه درباره بررسی، تحلیل و توصیف خود نظریه گفته می‌شود. برخی فرانظریه را به‌عنوان فلسفهٔ نظریه به‌شـــمار آورده‌اند. یعنی مجموعه‌ای اساسی از عقاید در پیوند بااینکه چگونه پدیده‌های موردعلاقه در یک حوزه خاص باید مورد تفکر و مشاهده قرار گیرد و درباره آنها پژوهش به‌عمـــل آید (واگنر و برگر، ۱۹۸۵، بـــه نقل از بیتس، ۲۰۰۵). مفهوم فرانظریـــه به مقدار زیادی با اصطلاح پارادایم هم‌پوشانی دارد، لیکن پارادایم معنی گسترده‌تری نسبت به فرانظریه دارد، فرانظریه هسته اصلی هر پارادایم و معرف پارادایم در بسیاری از معانی آن است (بیتس،[2] ۲۰۰۵). فرانظریه تکوینی مبتنی بر پارادایم تکوینی دارای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی خاص خود است. این فرانظریه در عین فرض وجود هستی واحد، تشکیک در وجود را می‌پذیرد و بر این دیدگاه است که هســـتی دارای مراتب اســـت و هر مرتبه به‌لحاظ نوع داده‌ها منحصربه‌فرد است. هر مرتبه داده‌ها و قواعدی دارد و در عین وحدت، کثیر نیز هست. هستی هدفمند است و به‌وسیله پروردگار ربوبیت می‌شود (شکل۱).

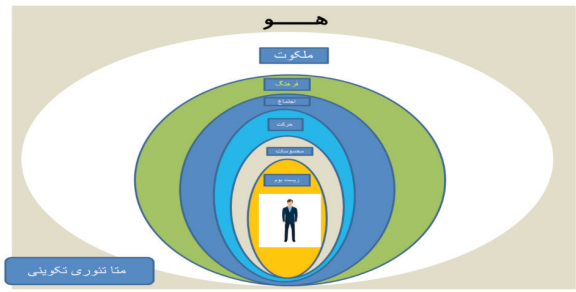

شکل۱. نگاره‌مراتب هستی در فرانظریه تکوینی

در فرانظریه تکوینی انســـان موجودی کران‌مند است و کرانه‌های هستی (مراتب وجود) و آنچه انسان را احاطه کرده است مشمول افق‌ها است (شکل۱). ازسوی‌دیگر ساحت‌های وجودی انسان نیز مشـــکک اســـت (شـــکل۲) که در یک ترکیب اتحادی و انضمامی تمامی اجزای جهان هستی پیوندی متبادل باهم دارند که از آن تحت‌عنوان فضای هستی نام برده می‌شود. اجزای جهان هستی در شـــبکهٔ وجودی براســـاس قواعدی روابط و مناسبات دارند که با کوشـــش محقق این مناسبات قابل‌شناسایی است.

1. Metatheory.
2. Bates.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

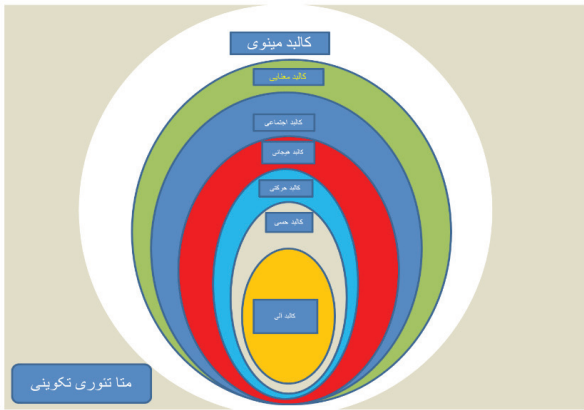

شکل۲. نگاره ساحت‌های انسان در فرانظریه تکوین

در رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی هدایتگر محقق در پژوهش است. به‌عبارتی این فرانظریه بـــه محقق می‌گوید، در کجا چه چیزی را جســـت‌وجو کند و هنگامی کـــه آن را یافت چگونه تبیین و تفســـیر نماید. در فرانظریه تکوینی کل متغیر موردشناســـایی قرار می‌گیـــرد که اجزا و مؤلفه‌های آن رابطـــه‌ای تبادلی با یکدیگر دارنـــد و در آن مؤلفه‌هایی که نزدیکی و پیوند بیشـــتری باهم دارند برهم‌کنشـــی و هم‌جوشی متبادل بیشتری در شکل‌گیری هستار دارند. برحسب این فرانظریه، جهان و انسان در حال شدن، تغییر و تکوین است (حرکت جوهری) و این کل در مراتب مختلف جلوه‌ها و نمودهای متفاوت می‌یابد که ســـعی محقق شناســـایی و وضوح‌بخشـــی به این نمودها است. در فرانظریه تکوینی این نموده‌ها و جلوه‌ها که نشـــانگر بودها (واقعیت) هســـتند را هســـتار می‌نامند. به‌عبارتی هستار ساختاری پیوندی برای توصیف و توضیح هستی است. هستار در فرآیندی تکوینی شکل می‌گیرد و در شدنی تکوینی نیز شناسایی می‌شود. هدف مطالعه کنونی این است که باتوجه‌به مبانی رویکرد تکوینی به چیســـتی یا هستارشناسی «روش‌شناسی تکوینی» اشاره شود و با استنتاج ویژگی‌های مفروض در این رویکرد به تلویحات این روش‌شناســـی برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی پرداخته شود.

۳. روش

روش این پژوهش هستاریابی تکوینی از نوع هستارانگاری توصیفی - استنتاجی است. روش‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

تکوینی روشی آنتولوژیک و هستی‌شناسانه است که بر شناخت هستی و موجودیت‌های آن (هستار) متمرکز است و وجود آنها را بررسی می‌کند. به عبارتی از طریق شناسایی هستارها به شناخت هستی (واقعیت) نائل می‌آید. این هستارها می‌توانند فیزیکی و یا غیرفیزیکی باشند. بنابراین هستارها ساختاری پیوندی برای توصیف و تبیین هستی است. به‌عبارتی هستار، مناسبات بین مجموعه‌ای از عناصر است که توصیف‌کننده، توضیح‌دهنده و تبیین‌کننده واقعیت است. در روش هستارانگاری -استنتاجی پژوهشگر یک هستار را شناسایی و توصیف می‌کند و روابط بین اجزا را توضیح می‌دهد و بر مبنای این توصیف استنتاج می‌کند. در این پژوهش نیز هستار موردبررسی چیستی یا هستار شناسی «روش‌شناسی تکوینی» خواهد بود. روایی این مطالعه براساس روایی گذار است. باتوجه‌به اینکه پژوهش تکوینی به‌دنبال شفافیت و وضوح‌بخشی هستار است و شفافیت هستاری گذاری تکوینی دارد و شکل‌گیری و تکوین آن به‌صورت تدریجی است. محقق با بیان مبانی و بسترهای نظری که در این مطالعه رویکرد تکوینی و فرانظریه تکوینی خواهد بود به توصیف روش‌شناسی تکوینی می‌پردازد و تلویحات این روش‌شناسی را برای علوم انسانی و اجتماعی اسلامی به بحث می‌گذارد.

۴. معرفی روش‌شناسی تکوینی

روش‌شناسی تکوینی نگاهی آنتولوژیک به پژوهش دارد. نوعی آنتولوژی که ریشه در فلسفه اسلامی به‌صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به‌صورت خاص دارد. آنتولوژی از دو واژه onto به معنی هستی و logic به معنی مطالعه به وجود آمده است. به فارسی به آن هستی‌شناسی یا هستارشناسی گفته می‌شود. هستی‌شناسی به شناخت هستی و موجودیت‌ها (هستار) متمرکز است و وجود آنها را بررسی می‌کند. به‌طورکلی آنتولوژی به مطالعه موجودیت اشیا در جهان گفته می‌شود و ارتباطاتی که آنها با یکدیگر دارند. همچنین شامل جزئیات و ساختار سلسله‌مراتبی این اشیا می‌شود و همین‌طور در رابطه با دسته‌بندی اشیا باتوجه‌به شباهت و تفاوت‌های آنها نسبت به یکدیگر صحبت می‌کند (کورازان، ۲۰۱۴). موجودیت‌ها (هستارها) به چیزی گفته می‌شود که وجود دارد، حال این موجودیت‌ها می‌تواند انتزاعی یا واقعی باشند که وجود شی را توضیح می‌دهد. هستارها بلوک‌های ساختمانی اصلی در ساختار آنتولوژی محسوب می‌شوند. چهار جزء اصلی یک آنتولوژی عبارت از مفاهیم، روابط، عناصر و اصل و قاعده‌ها هستند (آنتونیو و فون هارملن، ۲۰۰۴). مفاهیم، مجموعه یا طبقه‌ای از موجودیت‌ها یا چیزهایی است که درون یک حوزه وجود دارد. روابط به تبادلات بین مفاهیم (پیوند) و یا معین کردن ویژگی‌های یک مفهوم (طبقه‌بندی) می‌پردازد. عناصر (نشانگرها) چیزهایی هستند که توسط یک مفهوم معرفی می‌شوند و اصل و قاعده‌ها برای مقید

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

کردن مقادیر برای طبقه‌ها یا اعضا مورداستفاده قرار می‌گیرد. یک آنتولوژی عبارت است از طراحی، مفهوم‌ســـازی یا تصویرســـازی از یک حوزه یا ترکیب عناصر (نشـــانگرها) که به آن پایگاه دانش یا دانایی گفته می‌شود.

در رویکرد تکوینی هستی واقعیت است، حتی امور ذهنی نیز واقعیت و موجودیت دارند. بنابراین واقعیت قابل‌شناســـایی است و باتوجه‌به اینکه هستی مشکک اســـت و با شناسایی هر واقعیت جلوه دیگری از واقعیت نمود می‌یابد، پس روش‌شناسی تکوینی نگاهی پویا و دینامیک به واقعیت در حال شدن و تکوین دارد. این رویکرد داده‌مبنا است و با مطالعه و مشاهده داده‌ها، موجودیت‌ها یا هستارها را مورد شناســـایی قرار می‌دهد. بنابراین داده‌ها واقعی اســـت و محقق با استفاده از داده‌های واقعی به شناســـایی واقعیت می‌پردازد. اما در اینکه این داده‌ها همه واقعیت اســـت یا بخشـــی از واقعیت و آیا با مطالعه و جمع‌آوری بیشـــتر داده‌ها همین واقعیت شناسایی می‌شـــود، رویکرد تکوینی از واقعیت مشکک صحبت می‌کند، واقعیتی که نمودی تکوینی دارد. بنابراین در تحقیقات تکوینی از اصطلاح تقریب به واقع و نه کشف واقعیت صحبت می‌شود. چون واقعیت مشکک است و در پس هر واقعیت جلوه دیگری از واقعیت رخ می‌نماید، تلاش انســـان نیز برای دســـتیابی بـــه واقعیت هیچ‌گاه به انتها نخواهد رسید، بنابراین واقعیت تشکیکی یک واقعیت تکوینی است. در روش‌شناسی تکوینی به‌جای عبارت «واقعیت کشف می‌شود» از عبارت «واقعیت شناسایی (شناخته) می‌شود»، استفاده می‌گردد. قابل‌ذکر است که بیان این نکته که واقعیت شناسایی می‌شود به این معنا نیست که واقعیت ساخت‌وساز انسانی ندارد، بلکه ساخت‌وساز انسانی در پرتو شناسایی قاعده‌مندی جهان هستی صورت می‌گیرد. انســـان قاعده‌ها را می‌شناسد (که واقعیت هســـتند) و با استفاده از اشیا و امورات واقعی ساخت‌وساز واقعی انجام می‌دهد. بنابراین برخلاف رویکرد تفسیری در این رویکرد واقعیت برساخت نیست، بلکه واقعیت نوساخت و نوخواست است. قابل‌ذکر است که این گفته تلویحات بااهمیتی در روش پژوهش دارد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۴. دستگاه مختصات کروی تکوینی

دســـتگاه مختصات کروی تکوینی محور روش‌شناسی در پژوهش‌های تکوینی است. روش‌شناسی تکوینی رویکردی تجربی است که برای شناســـایی واقعیت از شواهد تجربی بهره می‌گیرد، بنابراین متکی به داده و شواهد مشاهده‌پذیر است. البته در اینجا منظور از مشاهده‌پذیر عینیت رویکرد اثباتی نیســـت. بلکه داده‌ها در مراتب مختلف وجود متفاوت هســـتند و به همان‌گونه نیز لازم اســـت مورد مشـــاهده قرار گیرند. همان‌گونه که در مبحث فرانظریه تکوینی مطرح شـــد، مفهوم فضای هســـتی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

دربرگیرنـــده کرانه‌ها (آفاق) و کالبدها (انفس) اســـت که نوع داده در هر یـــک از کرانه‌ها و کالبدها با یکدیگر متفاوت اســـت، لیکن قائل به وحدت وجود بودن امکان ایجـــاد رابطه بین داده‌ها را در تمام مراتب وجود (کرانه‌ها و کالبدها) فراهم می‌آورد. بنابراین مشاهده کرانه‌ها و کالبدها حجم عظیمی از اطلاعـــات را فراهم می‌آورد که برخی از این اطلاعات در ســـنخیتی همـــگاه با یکدیگر در پیوند قرار می‌گیرند و فضای رویداد یا هســـتار را ایجاد می‌نمایند. هستارها ابزارهای تبیین و شناخت رویدادها هستند. فرانظریه تکوینی برای ایجاد شفافیت و وضوح‌بخشی به داده‌ها و تحلیل آنها فضایی توپولوژیک گوی‌واره‌ای را پیشنهاد داده است که از آن با عنوان «دستگاه مختصات کروی تکوینی» یاد می‌شود. این دســـتگاه به محقق امکان می‌دهد که داده‌های سلسله‌مراتبی را به‌منظور توصیف، طبقه‌بندی و تعریف آنها و همچنین تحلیل و توضیح روابط بین داده‌ها در دستگاه مختصات تکوینی وارد کرده و متناسب با منطق تکوینی و باتوجه‌به مختصاتی تحلیل و نتیجه‌گیری نماید. منطق تکوینی با پذیرش اصل هستی در حال شدن و تکوین (حرکت جوهری) بر این باور است که شناسایی واقعیت نیز فرآیندی تکوینی دارد و محقق با شفاف‌سازی و وضوح‌بخشی به واقعیت باتوجه‌به مستندات و جمع‌آوری شواهدی که فرآیندی تدریجی و تکوینی دارد به شـــناخت واقعیت نائل می‌آید. منطق تکوینی از تفکر خردمندانه تبعیت می‌کند که تفکری انعطاف‌پذیر و غنی است و امکان مشاهده مدبرانه و پژوهش با سوگیری اندک را فراهم می‌آورد. منطق تکوینی در شمول خودش منطق ارسطویی (هنگامی‌که از طبقه‌بندی صحبت می‌کند)، منطق فازی (هنگامی‌که از عدم قطعیت صبحت می‌کند)، منطق سیســـتمی (هنگامی‌که از نظم و نظام و روابط بین اجزا صحبت می‌کند) را دارد و علاوه بر آن دینامیک، شـــدن و جهت شـــدن (تکوین) را موردتوجه قرار داده است (هنگامی‌که از تغییر و حرکت و زمان و شدن صحبت می‌کند). همچنین به جهت‌مندی و هدفمندی نیز توجه کرده اســـت و فضای توپولوژیک دســـتگاه مختصات تکوینی براساس آن شکل گرفته است (شکل۳).

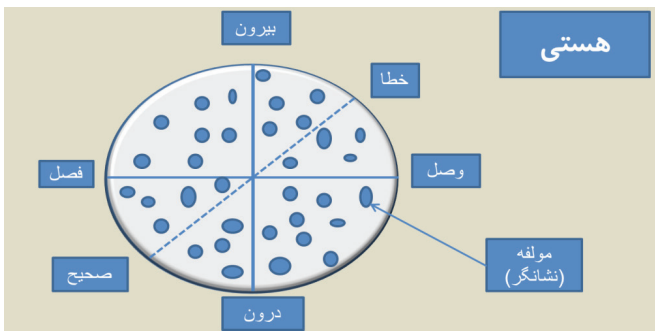

شکل۳. نگاره دستگاه مختصات کروی تکوینی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

دســتگاه مختصات کروی تکوینــی بر پایه مفروضات فرانظریه تکوینی برای ســاخت فضای هســتی یا فضای توپولوژیک که بتواند نگارگر و ترســیم‌کننده واقعیت باشــد از فضای گوی‌واره و کروی بهره می‌گیرد، دوایر و کره بهترین شکلی است که آغاز و پایانی ندارد. برای تشکیل این فضای کروی توپولوژیک محقق لازم است به چهار پرسش محوری پاسخ دهد: ۱- چه چیز (قوه، استعداد و ظرفیت) مشاهده می‌شود؟ ۲- آنچه مشاهده می‌شود چه فعالیت و حرکتی دارد؟ ۳- چگونه این قوه و ظرفیت به فعل یا فاعلیت می‌رســد؟ و ۴- این حرکت چه سمت‌وســویی دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم توجه به چهار علیت مادی، فاعلی، صوری و غائی است؟ که فضای توپولوژیک دستگاه مختصات کروی تکوینی بر پایه آنها شکل می‌گیرد. برای ساخت فضای توپولوژیک کروی سه محور موردنیاز است. محور اول: محور افقی که همان استعداد، ظرفت، آمادگی یا قوه (جنس یا جوهر) است (علت مادی) که علت مادی هر رویدادی است. محور دوم: محور عمودی: فعالیت و حرکت قوه اســت (حرکت جوهری) به عبارتی قوه‌ای که به فعل درمی‌آید (علت فاعلی). محور سوم: چگونگی تبدیل قوه به فعل یا شعورمندی هستاری است (علت صوری). لازم به توجه است که جوهر می‌تواند وصل و فصل (وحدت /کثرت) داشــته باشد. عاملیت یا فعالیت می‌تواند متوجه درون یا بیرون باشــد و چگونگی می‌تواند صحیح و خطا داشته باشد. این سه علیت در مساوقت با یکدیگر ترکیبی اتحادی می‌سازند که در سمت‌وسوی جهت و هدف غائی (علت غائی) در حرکت اســت. دســتگاه مختصات کروی تکوینی علاوه بر این علل، بعد چهــارم یعنی زمان که حاصل حرکت اســت را در محاســبات خود لحاظ می‌نماید. این فضای توپولوژیک یک فضای تشکیکی اســت و تمام رویدادهای مشــاهده‌پذیر قابل جانمایی مکانی و زمانی در این فضای توپولوژیک هســتند. در یک مطالعه آنتولوژیک نشانگرهای هســتی، شناسایی، توصیف، طبقه‌بندی و تعریف می‌شــود و در ربطی منطقی با یکدیگر پیوند می‌یابند و ترکیبی انضمامــی ایجاد می‌کنند. ترکیب انضمامی این نشــانگرها هستارها را شکل می‌دهند که این هستارها در کاوشی تکوینی شناسایی و براساس فرانظریه تکوینی تبیین و تفسیر می‌گردد و توضیح داده می‌شوند. ازآنجایی‌که هر نشانگری که شناسایی می‌شــود برحسب ترکیب اتحادی علل مادی، فاعلی، صوری و غائی به‌علاوه زمان را در خودش دارد. پس هر نشانگر مشمول این علت‌ها است و این علیت‌ها در ربط نشانگرها جاری می‌شــود که از آن تحت‌عنوان «علیت جاریه» یا «علیت متبادل» نام برده می‌شود. به عبارتی علیت در ربط نیست، بلکه علیت در نشانگرها است که با ربط نشانگرها در هستار جاری می‌شود. مفهوم علیت جاریه در دســتگاه مختصات کروی تکوینی، روش‌شناســی تکوینی را از ســایر روش‌های پژوهش متمایز می‌کند و این روش‌شناسی را دینامیک و پویا می‌سازد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

۵. روش‌های پژوهش در رویکرد تکوینی

همان‌گونه که گفته شد روش‌شناسی تکوینی پژوهشی آنتولوژیک است. به‌عبارتی محقق رویداد را مشاهده می‌کند و از طریق شناسایی مؤلفه‌ها و نشانگرهای رویداد هستارشناسی می‌کند و با مطالعه هســتار و نگارگری آن، هســتی (واقعیت) را شناســایی می‌کند و یا در آن مداخله و ساخت‌وساز می‌نمایــد. در این میان فرانظریــه تکوینی هدایتگر محقق برای نگارگری جهان هســتی یا واقعیت هستی است. فرانظریه تکوینی برای شناسایی نشانگرهای هستار و توصیف و توضیح این نشانگرها و درک روابط بین آن‌ها و همچنین تبیین و تفســیر روابط بین نشانگرها دستگاه مختصات تکوینی را پیشنهاد داده است. لیک برای ورود داده‌ها به این دستگاه شناختاری لازم است، ابتدا داده‌ها به‌وسیله روش‌های پژوهش متناسب با رویدادها شناسایی شود تا در دستگاه مختصات کروی تکوینی وارد و توصیف و توضیح داده شــود. شکل زیر انواع روش‌های پژوهش در روش‌شناسی تکوینی را نشان می‌دهد (شکل۴).

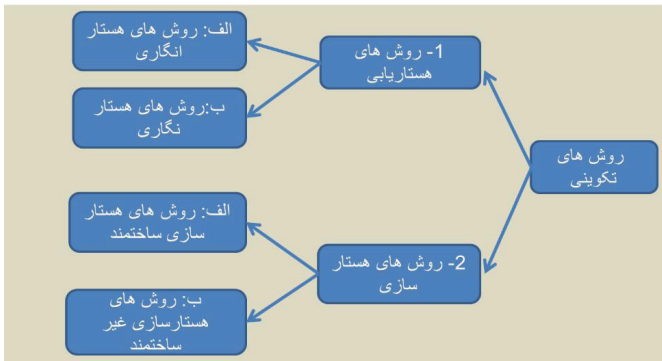

شکل ۴. نگاره انواع روش‌های تکوینی

همان‌گونه که در شکل ۴ مشاهده می‌شود. روش‌های تکوینی ابتدا به دو دسته ۱- روش‌های هســتاریابی و ۲- روش‌های هستارسازی تقسیم می‌شــود و روش‌های هستاریابی نیز به دو گروه الف- روش‌های هســتارانگاری و ب- روش‌های هســتارنگاری تقســیم می‌گــردد. روش‌های هستارســازی نیز به دو دسته هستارسازی ســاختمند و ب- هستارسازی غیرســاختمند تقسیم می‌شــود. در روش‌شناســی تکوینی روش‌های هستاریابانه یا هســتاریابی هنگامی مورداستفاده قرار می‌گیرند که هســتارها از پیش شــکل گرفته اســت و تلاش محقق شــناخت این هستارها اســت. از آنجا که محقق در روش‌های هستاریابی مداخله‌ای در هســتارها انجام نمی‌دهد، لذا این روش‌شناســی نوعی ایده‌پردازی محققانه که انگاره‌پژوهی هســتارانگارانه است را نیز شامل

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

می‌شـــود. فرض رویکرد تکوینی در روش‌های هستارســـازانه یا هستارســـازی عاملیت انسان در ساخت‌وســـاز هستی است. بنابراین انســـان در مســـیر تکوین اقدام به ساخت‌وساز هستارهایی می‌کند که ســـازنده و هدایتگر او به ســـمت تکوین و شدن است و یا در هســـتارهایی که خطا و ناصحیح اســـت، مداخله می‌کند و آن‌ها را اصلاح و تغییر می‌دهد یا بازسازی می‌نماید.

روش‌های هستارانگاری متکی بر تجربه‌های ذهنی و درونی محقق است. در این روش محقق انگاره‌های ذهنی را پرورانیده و ایده‌پردازی می‌کند و شـــکل‌گیری تکوینی آن را تشـــریح می‌نماید. روش‌شناسی تکوینی تجربه ذهنی را به‌عنوان یکی از منابع علم می‌پذیرد. بنابراین هنگامی‌که محقق با کاربســـت داده‌های درونی و بیرونی به‌گونه‌ای روشـــمند به وجود (هستی) موجودیت (هستار) می‌دهد، علمی تجربی شـــکل می‌گیرد که صحت آن قابل‌بررســـی تجربی اســـت. در روش‌های هســـتارنگاری نیز محقق مشاهده‌گری است که با استناد به مشاهده‌ها و داده‌های بیرونی و براساس مبانی فرانظریه تکوینی به هســـتی‌نگاری اقدام می‌ورزد. در این نوع هســـتی‌نگاری محقق براساس تفکر خردمندانه و مشـــاهده مدبرانه با جمع‌آوری داده‌ها هســـتاریابی نموده و هستارها را شناسایی می‌نماید. به‌عبارتی محقق نگارگری اســـت که هستار را شناســـایی و ترسیم می‌کند و به توصیف و توضیح آن می‌پردازد.

در روش‌های هستارســـازی ساختمند نیز محقق در هســـتارهایی که از طریق هستارنگاری و هســـتارانگاری نگارش شده است، مداخله، دست‌کاری و ساخت‌وساز مجدد می‌کند و باتوجه‌به ساختار پیوندی شناسایی شده، اقدام به نقشـــه‌نگاری مداخله می‌کند و با ملاحظه شاخص‌های توصیفی و توضیحی هســـتار، مؤلفه‌هایی که وزن بیشـــتری دارند را شناسایی می‌نماید و بر مبنای فرانظریـــه تکوینی اقدام بـــه مداخله می‌کند. روش‌های هستارســـازی غیرســـاختمند هم در دو وضعیت قابل اســـتفاده اســـت. الف: ساختار هستارها یا مبهم اســـت و یا از قبل موجود نیست. لذا نقشـــه‌نگاری مداخله دشوار اســـت و وضوح ندارد و ب: مؤلفه‌های هستار مؤلفه‌های هدف هســـتند که محقق با دســـت‌کاری و مداخله به‌دنبال تحقق نشانگرهای هدف است. در مورد اول دســـت‌کاری در نشانه‌های واضح و اولیه به‌تدریج نشانه‌های بهبود هستار را آشکار می‌سازد و در مورد دوم، نشانه‌های هدف در شدنی تکوینی شکل می‌گیرند و آشکار می‌شوند. انواع روش‌های هستارانگاری، هســـتارنگاری و هستارسازی ساختمند و غیرســـاختمند در جدول شماره ۱ آمده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

جدول ۱. انواع روش‌های هستاریابی و هسترسازی در رویکرد تکوینی

روش‌های هستارانگاری	روش‌های هستارنگاری	روش‌های هسترسازی ساختمند	روش‌های هسترسازی غیرساختمند
۱. هستارانگاری توصیفی- استنتاجی	۱. هستارنگاری توصیفی	۱. هسترسازی مداخله در نشانگر زیربنایی	۱. هسترسازی مداخله در نشانگر واضح
۲. هستار انگاری توصیفی - تطبیقی	۲. هستارنگاری موردی	۲. هسترسازی مداخله تصرفی	۲. هسترسازی مداخله در شرایط بیرونی
۳. هستارانگاری توصیفی - انتقادی	۳. هستارنگاری بالینی	۳. هسترسازی مداخله تبعی	۳. هسترسازی مداخله چیدمانی
۴. هستارانگاری توصیفی- ترکیبی	۴. هستارنگاری اسنادی	۴. هسترسازی مداخله یکپارچه	۴. هسترسازی مداخله نشانگر - هدف
۵. هستارانگاری توصیفی - زایشی	۵. هستارنگاری سلسله‌مراتبی		۵. هسترسازی آرمانی
	۶. هستارنگاری گفتمانی		
	۷. هستارنگاری شهودی		
	۸. هستارنگاری اکتشافی		
	۹. هستارنگاری تقابلی		
	۱۰. هستارنگاری حدمطلوب/نامطلوب		
	۱۱. هستارنگاری قطبین		
	۱۲. هستارنگاری روندی		

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

روش‌های هستارانگاری	روش‌های هستارنگاری	روش‌های هستارسازی ساختمند	روش‌های هستارسازی غیرساختمند
	۱۳. هستارنگاری خبرگانی		
	۱۴. هستارنگاری تبدیلی		
	۱۵. هستارنگاری استنتاقی		
	۱۶. هستارنگاری آتی‌یاب		
	۱۷. هستارنگاری تمثیلی		
	۱۸. هستارنگاری قیاسی		
	۱۹. هستارنگاری ابزارسازانه (ابزارنگاری)		
	۲۰. هستارنگاری ارزشیابانه		
	۲۱. هستارنگاری تطوری		

باتوجه‌به آنچه گفته شد، صرف‌نظر از اینکه از چه روشی برای مطالعه رویدادها در پژوهش‌های تکوینی استفاده شود، پژوهش تکوینی باتوجه‌به بسترهای نظری و فلسفی مفروض مشمول ویژگی‌های زیر است (جدول۲). این ویژگی‌ها در جدول زیر مورد توصیف قرار گرفته است و تلویحات آن برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی اسلامی در بخش بحث و نتیجه‌گیری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

جدول ۲. ویژگی‌های پژوهش‌های تکوینی

ویژگی‌ها	توصیف
۱. نظریه‌باری	پژوهش‌ها مبتنی بر نظریه هستند و از نظریه‌ای مفروض در روش‌شناسی و تعبیر و تفسیر نتایج استفاده می‌کنند. فرانظریه تکوینی نظریه محوری در مطالعات تکوینی است.
۲. خردمندانه	تفکر خردمندانه بالاترین سطح رشدی تفکر انسانی است که علاوه بر شمول انواع دیگر تفکر، ایفاگر نقشی تعادلی در شناخت است. تفکر خردمندانه سطح پیچیده‌ای از شناخت همراه با دانش غنی و تجربه است که بر توانایی تشخیص مسئله و توانایی انتخاب اطلاعات درست از میان مجموع اطلاعات موجود متمرکز است.
۳. غایت‌مندی	قائل بودن به این مفروضه که جهان هدفمند است و هستی معنا و مقصودی را دنبال می‌کند.
۴. جهت‌مندی	اصل و مفروضه‌ای که بیان می‌کند، هستی جهت‌مند است و جهت‌مندی می‌تواند صحیح یا خطا باشد.
۵. متحرک و متغیر	پذیرش این اصل که هستی در حال شدن و تغییر است و بر اساس حرکت جوهری هستی در حال هستایش است.
۶. عدم قطعیت	پذیرش اصل نسبیت است، آینده محتمل خواهد بود و رویدادهای مختلف قابل تصور است.
۷. تشکیکی	قائل بودن به اینکه هستی دارای مراتب یا مظاهر است و هر مرتبه داده‌ها و اطلاعات خاص خود را دارد.
۸. تکثرگرایی	قائل بودن به این مفروضه که هستی در عین وحدت دارای کثرات است و برای محقق تکوینی امکان شناخت این کثرات وجود دارد.
۹. علیت جاریه	در فرانظریه تکوینی پذیرش این اصل که با ترکیب اتحادی علل چهارگانه هر مشاهده و اطلاعات (نشانگر) که در دستگاه مختصات کروی تکوینی وارد می‌شود مشمول علل چهارگانه است. هنگامی که این نشانگرها با یکدیگر پیوند می‌یابند، علیت در ربط جاری می شود که به آن علیت جاریه یا علیت متبادل می‌گویند.
۱۰. کل‌گرا	فرانظریه تکوینی این اصل را می‌پذیرد که برای شناسایی صحیح رویدادها لازم است کل آن رویداد مورد مطالعه قرار گیرد و کاهش‌دهی رویداد شناخت آن را با مشکل مواجه می‌سازد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

ویژگی‌ها	توصیف
۱۱. بین‌رشته‌ای	در مطالعات تکوینی پذیرش این اصل است که درک درست مستلزم بهره‌گیری از مطالعات بین‌رشته‌ای و همکاری رشته‌های مختلف است.
۱۲. عاملیت انسان	قائل بودن به این مفروضه که پیوند گذشته با آینده با عاملیت انسان قابل تصور است و انسان هسته محوری تحولات است.
۱۳. تحمل ابهام	این‌باور که آینده مبهم و محتمل است. لذا روش پژوهشی مرجح لازم است. توانایی تحمل ابهام نسبت به رویدادهای قریب‌الوقوع و غیرمنتظره را داشته باشد.
۱۴. تحمل پیچیدگی	پذیرش این اصل که رویدادها بسیار پیچیده هستند و عناصر متکثر در ظهور رویدادها نقش دارند. این موضوع روابط بین اجزا را پیچیده‌تر و گسترده‌تر خواهد نمود.
۱۵. انعطاف‌پذیری	به مفهومی اشاره دارد که روش تحقیق مفروض باید متناسب با الزامات پژوهش و منعطف است.
۱۶. چندروشی	به استفاده از چند روش و بهره‌گیری از ابزارها و فنون و نمونه‌گیری متنوع برای شناسایی واقعیت اطلاق می‌شود.
۱۷. سهولت ورود به مطالعات	این نکته را توصیف می‌کند که روش‌های پژوهش چگونه توان متناسب‌سازی در سهولت ورود به مطالعات را دارد.
۱۸. چابکی	این اصل به سرعت ورود به مسئله پژوهش جهت شناسایی رویداد توجه دارد. اینکه روش مرجح با چه سرعتی می‌تواند وارد شناسایی رویداد شود.
۱۹. انطباق با فناوری‌های نوین	به این نکته می‌پردازد که روش پژوهش مرجح تا چه اندازه می‌تواند در جریان پژوهش و یا تحلیل داده‌ها و نگارش یافته‌ها از فناوری‌های نوین استفاده نماید و با پیشرفت‌های فناوری منطبق باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه کنونی این بود که باتوجه‌به مبانی رویکرد تکوینی به چیستی یا هستار شناسی «روش‌شناسی تکوینی» اشاره شود و با استنتاج ویژگی‌های مفروض در این رویکرد به تلویحات این روش‌شناسی برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی پرداخته شود. در این قسمت باتوجه‌به ویژگی‌های مورد اشاره در جدول۲ این تلویحات موردبحث قرار می‌گیرد. از جمله ویژگی‌های مفروض در رویکرد تکوینی «نظریه‌باری مشاهدات» است. بر این اساس نحوه روی‌آوری محقق به مسئله پژوهش و اینکه با پذیرش چه نظریه‌ای به مشاهده رویدادها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

و پدیده‌ها بپردازد، آنچه را که به‌دســت خواهد آورد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد تکوینی نیز از این قاعده مســتثنی نیســت. در رویکرد تکوینی نیز محقق با پذیرش مفروض‌ها یا اصل‌هایی به مشــاهده رویدادها می‌پردازد و این مفروض‌ها نوع نــگاه او به رویدادها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. درمطالعات تکوینــی فرانظریه تکوینی هدایتگر و راهنمای محقــق در مطالعات خواهد بود، این فرانظریه که رویکردی جهت‌مند دارد، چگونگی مشاهده رویدادها را در مطالعات تکوینی هدایت خواهد کرد.

اصــل دیگر فرانظریه تکوینی «پذیــرش حرکت و قائل بودن به تغییر و تحول» اســت. محقق تکوینی رویدادهای پیش رو را متلاطم و ناآرام می‌بیند که ســرعت تغییرات در آن گاه به‌حدی است که مطالعات پیش‌بینی از درک آن عاجز اســت. بنابراین رویکردهای اکتشــافی که حال را استمرار گذشــته و آینده را استمرار گذشــته و حال می‌دانند، هرچند که اطلاعات بسیار سودمندی را فراهم می‌آورد لیکن همچنان لازم اســت که اصل «عدم قطعیت» را به‌عنوان اصلی اساسی در مطالعات در نظر داشت. رویکرد تکوینی اصل پیش‌بینی و تعمیم را نمی‌پذیرد و بر این باور نیست که می‌توان نتایجی به‌دست آورد و آن را به جامعه متحول تعمیم داد. همچنان که در مباحث گذشته مطرح شد، تفکر مورداستفاده در معرفت‌شناســی تکوینی نیز «تفکر خردمندانه» است و از جمله ویژگی‌های متفکر خردمند دانش و اطلاعات غنی اســت. تفکر خردمندانه امکان مشــاهده مدبرانه در مطالعه رویدادها را فراهم می‌آورد و دانشــی را فراهم می‌آورد که براســاس آن می‌توان علاوه بر شــناخت رویدادها، نسبت به مداخله و تغییر رویدادها اقدام نمود.

اصل و مفروضه دیگر روش‌شناســی تکوینی «نگاه تشــکیکی» اســت. فرانظریــه تکوینی با پیش‌فرض کران‌مندی جهان هســتی محقق تکوینی را هدایــت می‌کند که در مطالعه رویدادها چه چیــزی را و در کجا مورد مشــاهده قرار دهد. به این قاعده «افق رویداد» گفته می‌شــود. به‌عبارتی محقق تکوینی در چه مکانی و زمانی ایســتاده اســت و ناظر به‌وقوع چه رویدادی اســت. او چه چیزی را مشــاهده می‌کند؟ آن را چگونــه باید توصیف و تعریف نمایــد؟ و مؤلفه‌های آن رویداد را چگونه طبقه‌بندی کند؟ فرانظریه تکوینی با طرح مســئله کران‌منــدی نظامی را برای طبقه‌بندی آنچه مورد مشــاهده اســت را فراهم می‌آورد و ذهن محقق را انســجام و یکپارچگی می‌بخشد. در رویکرد تکوینی علم عبارت از شناخت هستی از طریق توصیف (تشخیص، تعریف و طبقه‌بندی) و توضیح (درک روابط نشانگرها و تبیین و تفسیر آنها) رویدادها تعریف می‌گردد. فرانظریه تکوینی با بهره‌گیری از مبانی فلسفی وحدت وجود به محقق تکوینی امکان می‌دهد که عناصر هستار مورد مطالعه را در هر کرانه مورد مشــاهده قرار دهد و پیوند و ربط آن‌ها را مشاهده و تعبیر و تفسیر نماید

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

به‌عنوان‌مثال تغییرات ممکن در کرانهٔ زیستی چگونه می‌تواند شاخص‌های کرانهٔ اجتماعی مانند اقتصاد، سازمان‌ها، خانواده و روابط بین افراد را تحت‌تأثیر قرار دهد.

قائل بودن به تشکیک به رویکرد تکوینی امکان داده است که طبقه‌بندی نوینی از علوم ارائه نماید. لذا در هر مرتبه‌ای از هستی اطلاعات و داده‌هایی وجود دارد که علوم مختلف با مطالعه این اطلاعات و جمع‌آوری شواهد مرتبط با رویدادهای آن مرتبه به تدوین نظریه‌هایی برای تبیین و تفسیر رویدادها اقدام می‌ورزند. بنابراین مطالعات تکوینی «تکثرگرا» است و علوم مختلف با مطالعه شواهد متکثر داده‌های متنوع و گسترده‌ای فراهم می‌کنند و باتوجه‌به آن که هستی شبکه‌ای واحد است، امکان تجمیع برون‌داده‌های هر رشته و دستیابی به یک کلان‌الگو وجود دارد. این رویکرد مطالعات علوم انسانی را بسط و گسترش خواهد داد. ازسوی‌دیگر نیز باتوجه‌به بین‌رشته‌ای بودن بسیاری از علوم همکاری‌های بین‌رشته‌ای را ترویج و گسترش خواهد داد.

از مفروضه‌های دیگر فرانظریه تکوینی جست‌وجوی «علم نافع» است. علم در این رویکرد شناخت هستی از طریق توصیف و توضیح هستارها به منظور هدایت انسان‌ها در مسیر تکوین و سعادت این دنیایی و آن دنیایی انسان تعریف می‌شود. لذا روش علمی باید صحیح و خطا را به محقق جهت اصلاح امور و هدایت در مسیر تکوین نشان دهد. براساس مفروضه‌های فرانظریه تکوینی دستگاه مختصات کروی تکوینی، فضایی توپولوژیک را ترسیم کرده است که نشانگرهای رویداد خطا (در سطح کالبدی مانند اعتیاد، بیماری، رفتارهای انحرافی و در سطح کرانه‌ای مانند تخریب محیط زیست، ساخت و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تورم و فقر) و هم نشانگرهای رویداد صحیح (در سطح کالبدی انسان مانند سلامت، فضائل اخلاقی، باورهای رشدیابنده و در سطح کرانه‌ای مانند امنیت غذایی، مسکن مناسب، پیوندهای اجتماعی و عدالت اجتماعی) در دستگاه مختصات کروی تکوینی قابل مختصات‌یابی و توصیف و تعبیر است. در رویکرد تکوینی هستارها و نشانگرهای صحیح با اهداف غائی رشد و بالندگی انسان و همچنین آنچه از آن باعنوان رشد و توسعهٔ کرانه‌ها در فرانظریه تکوین یاد می‌شود، هم‌خوان، متناسب و هماهنگ است و کارکرد هستارها در مراتب مختلف کرانه‌ای با نظام غائی حرکت جهان هم‌ساز است. بنابراین هستارهای صحیح نقشی ایجابی دارند. ساخت‌وساز این هستارها نیز همت غالب تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران خواهد بود. لیکن هستارها و نشانگرهای خطا که آن‌ها نیز در دستگاه مختصات تکوینی قابل برآورد و شناسایی است، در مسیر تکوین متعالی نیستند و نقشی مخرب در رشد و بالندگی انسان و همچنین عدم رشد و توسعهٔ کرانه‌ای دارند. لذا وجود این هستارها و نشانگرهای آن نقص تلقی می‌شود و سعی و همت تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کاهش اثرات مخرب وجود

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

این هستارها و نشانگرها است. تلویح ضمنی این گفتار چیست؟

همچنان که گفته شد، فرانظریه تکوینی هدایتگر محقق در پژوهش است. باور به «جهت‌مندی» و وجود رویدادهای صحیح و خطا و امکان شناسایی و طبقه‌بندی آنها در دستگاه شناختاری تکوینی می‌تواند افق و گسترهٔ دید محقق تکوینی را به مشاهده هم رویدادهای صحیح و هم خطا جهت دهد. محقق تکوینی پرسش خواهد کرد که مشاهدات ممکن بستر چه رویدادهای صحیح و خطایی خواهد بود و فرانظریه تکوینی امکان مشاهده صحیح و خطا را در چشم‌اندازی مشکک فراهم می‌آورد و نگارگر نوعی هستار خواهد بود که به‌لحاظ رویکرد کل‌گرایانه فرانظریه تکوینی، تصویری کلان، شفاف و روشن‌تر از رویدادها ارائه خواهد نمود.

مفهوم علیت چالشی با اهمیت در مطالعات علوم انسانی است. بسیاری از پژوهش‌ها بر این مبنای فکری قائل هستند که علیت در گذشته است و با مطالعه گذشته می‌توان معلول یا رویداد را پیش‌بینی نمود. پس نوعی تقدم زمانی بر قاعده علت و معلولی استوار است. بنابراین سرنوشت محتوم تابع قاعده جبریت زمانی است و تسلسل زمانی مبتنی بر علیت زمانی است که امکان پیش‌بینی را برای محقق فراهم می‌آورد. بنابراین تلقی، مواجهه محقق یا تصمیم‌گیران و سیاستگذاران با رویدادهایی با این روند اجتناب‌ناپذیر است. چراکه عوامل گذشته پیش بین وضعیت آینده است. نگاه به عقب یا پس‌نگری چهارچوبی برای تبیین و تفسیر آنچه است که محتمل است. فرانظریه تکوینی براساس مبانی هستی‌شناسی خود جهان را در تکاپو، پویا و دینامیک می‌بیند و باور دارد که در یک رودخانه دو بار نمی‌توان شنا کرد هرچند که ممکن است این رودخانه در نام، همان رودخانه اولیه باشد. اما در محتوا آن رودخانه نیست. بنابراین تکرارپذیری اصلی قطعی نیست و رویدادها در همان برهه زمانی الزامات خاص خودش را دارد. رویکرد تکوینی گستره علیت زمانی گذشته‌نگر را به علیت غائی آینده‌نگر پیوند می‌دهد و با طرح «علیت جاریه» یا «علیت متبادلن به محقق کمک خواهد کرد که رویدادها را دینامیک و پویا مشاهده کند.

در همین ارتباط فرانظریه تکوینی هستهٔ محوری تحولات را «عاملیت انسان» می‌داند. همچنان که گفته شد رویکرد تکوینی از واژه نوساختگی و نوخواسته به‌جای واژه برساخت در رویکرد تفسیری نام می‌برد. نوساختگی یعنی ساخت‌وسازی که براساس، مواد و محتوای واقعی انجام می‌گیرد. به‌عبارتی انسان با آگاهی و شعورمندی روابط جدیدی بین اشیا و امور برقرار می‌کند و هستارسازی می‌نماید. بنابراین براساس فرانظریه تکوینی انتظار می‌رود که ساخت‌وسازهای انسانی و نقش انسان در معادلات آینده بیشتر موردتوجه قرار گیرد. به‌عبارتی این انسان است که مجموعه عناصر را در ربط با یکدیگر قرار می‌دهد. مجموعه این عناصر ساختار یا نوساختگی جدیدی را

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

ایجاد می‌کند که از آن تحت‌عنوان هستار نام برده شد. ایجاد هستارها فرآیندی تکوینی دارد و نحوه تکوین آن به‌وسیله پژوهش‌های تکوینی قابل‌شناسایی است. در این میان هستارهای قوی دارای سنخیتی در انسجام مؤلفه‌ها می‌شوند و ساختاری را ایجاد می‌کند که این ساختار خودمختاری کارکردی دارد و روابط بین اجزا را قاعده‌مند و حتی باز تعریف می‌کند. این نوساختگی ورای جمع مجموع اجزا است. در فرانظریه تکوینی این هستارهای نوساخته اسباب و مسبب حرکت هستند، بنابراین رویدادها ایستا نیستند و محقق تکوینی با شناسایی آن‌ها و ترسیم نقشه کارکردی این اجزا می‌تواند در رویدادها مداخله نماید.

فرانظریه تکوینی لزوماً پیش‌بینی را انکار نمی‌کند، لیکن با لحاظ عاملیت انسانی در این میان با رویکرد عدم قطعیت در مطالعات علوم انسانی موافق است. فرانظریه تکوینی هنگامی‌که از ترکیب اتحادی علیت فاعلی با علیت صوری در تشکیل هستارها صحبت می‌کند بر نقش عاملیت انسانی و آگاهی و شعورمندی او صحه می‌گذارد. بنابراین پیش‌بینی با ترکیب عاملیت و هوشمندی انسان قابل‌تصور است و روش‌های هستارسازی در پژوهش‌های تکوینی نقش عاملیت محقق و خردمندی او در مداخلات هستارسازانه و یا تغییر و اصلاح هستارها را موردتوجه قرار می‌دهد.

تلویحات رویکرد تکوینی برای مطالعات علوم انسانی را می‌توان با طرح ویژگی‌های دیگرمطالعات تکوینی موردتوجه قرار داد. از جمله این ویژگی‌ها «تحمل ابهام» است. آینده غیرمحتمل است و آینده‌های ممکن متعددی قابل‌تصور است. آیا رویکرد تکوینی می‌تواند این ابهام را تحمل کند. همچنان که گفته شد، پذیرش تکثر یکی از ویژگی‌های فرانظریه تکوینی است و هرگاه سخن از تکثر است، عدم قطعیت نیز همراه آن است. بنابراین محقق تکوینی تحمل ابهام را یکی از قابلیت‌های روش‌شناسی تکوینی درنظر می‌گیرد. لیکن محقق تکوینی تلاش دارد با شفاف‌سازی و وضوح‌بخشی نشانگرها از ابهام مطالعات بکاهد. تحمل پیچیدگی و ابهام از جمله چالش‌های مطالعات علوم انسانی است. جهان روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و رویدادها درهم‌تنیده‌تر و متکثرتر خواهند شد. فرانظریه تکوینی با طرح مراتب تشکیکی و پیشنهاد روش‌هایی مانند هستارنگاری سلسله‌مراتبی امکان مطالعه و شناسایی هستارهای پیچیده را فراهم می‌آورد. این روش‌شناسی باتوجه‌به اینکه هستی را به‌عنوان یک شبکه تحلیل می‌کند، این امکان را به محقق می‌دهد که تعداد متناوبی نشانگر که در بروز رویدادها مؤثر است را شناسایی و روابط بین آنها را در یک هستار پیچیده مطالعه نماید و همچنین به جهت شمول و دربرگیرندگی نشانگرهای بازیگر در نمود رویدادها، این پژوهش‌ها «کل‌گرایانه» قلمداد می‌شود که کل درحال تغییر را مطالعه می‌نماید. روش‌های تکوینی انطباق‌پذیر و «انعطاف‌پذیر» هستند و به‌این‌جهت که ساختار انجام پژوهش از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

همان آغاز محدود نمی‌شـــود از انعطاف‌پذیری لازم برای مطالعه تحولات سریع برخوردار هستند. پژوهش‌های تکوینی «چندروشی» بوده و به جهت قائل بودن به این پیش‌فرض که شناسایی واقعیت در یک فرآیند تکوینی صورت می‌گیرد و رویدادها در فرآیند تکوین پژوهش آشـــکار می‌شـــوند به محقق امکان می‌دهد که چند روش را به‌طور هم‌زمان در شناســـایی هستارها به‌کار گیرد، همچنین چندروشی بودن در استفاده از ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و همچنین روش‌های متنوع نمونه‌گیری به محقق امکان می‌دهد، متناســـب با الزامات پژوهش نمونه‌های مختلف را گزینش نماید و ابزارهای متنوع را به‌کار گیرد. ازســـوی‌دیگر چندروشـــی بودن و انعطاف‌پذیری بـــه پژوهش تکوینی امکان می‌دهد که با «ســـهولت» وارد مطالعه چالش‌های جدید شـــود و چون فرانظریه تکوینی ساختاری برای توصیف و توضیح رویدادها ارائه کرده اســـت به محقق امکان می‌دهد در کنار انعطاف‌پذیری در ورود به چالش‌های جدید «چابک» نیز باشد. ازسوی‌دیگر نگاه آنتولوژیک به رویدادها با در نظر گرفتن اجزای یک آنتولوژی مانند مفاهیم، روابط بین اجزا و قاعده‌مندی که این روابط براســـاس آن استوار اســـت به پژوهشگر تکوینی امکان می‌دهد که رویدادها را در شکل یک «مشبک» ملاحظه کنـــد، بدین‌جهت این روش قابلیت «انطباق با فناوری‌های نوین» و همچنین انطباق این فناوری‌ها بـــا مفروضه‌های خـــود را دارد. قابلیت اســـتفاده از فناوری‌های نوین یکـــی از نیازهای مهم حوزۀ پژوهش‌های علوم انسانی است.

مجموع این ویژگی‌ها قابلیت استفاده از روش‌های تکوینی برای ورود به مطالعات علوم انسانی و اجتماعی را موجه می‌ســـازد. از نظر نویســـنده این مقاله رویکرد تکوینـــی و فرانظریه منتج از آن قابلیت ایفای این نقش را دارد. هرچند که برای رســـیدن به پختگی و رشـــد این نظریه لازم اســـت اجتماع اندیشـــمندان این رویکرد را موردنقد و بررسی و اصلاح قرار دهند. لذا این رویکرد گشوده در پذیرش دیدگاه‌ها و نقد و بررســـی جامعه خردمندان است و می‌تواند در کنار رویکردهای دیگر به‌عنوان تلاشی برای دستیابی به علم تجربی اجتماعی و انسانی در بستر اندیشه اسلامی موردتوجه قرار گیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

کتابنامه

۱. اعرافی، علیرضا.۱۳۹۴. «ظرفیت‌شناسی علم اصول فقه برای علوم انسانی» در **ظرفیت شناسی علوم اسلامی در تحول علوم انسانی**. قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.

۲. ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی. ۱۳۹۲. **روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. باقری، خسرو. ۱۳۸۲. **هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴. بستان، حسین. ۱۳۸۴. **گامی به سوی علم دینی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵. بیتس، مارس، جی. ۱۳۸۷. «مقدمه‌ای بر فرانظریه، نظریه و الگوها». ترجمه غلام حیدری. **فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی**. س۱۱، ش۴۴. ص۲۷۵- ۲۹۷.

۶. پسندیده، عباس. ۱۳۸۶ الف. «در آمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث». **علوم حدیث**. ش۴۵ و ۴۶.

۷. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۳. **رابطه منطقی دین و علوم کاربردی**. قم: کتاب فردا.

۸. تقوی، سیدمحمدرضا. ۱۳۹۹. **الگوی علوم انسانی اسلامی: چهارچوب نظری و مدل عملیاتی**. تهران: آفتاب توسعه. مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا.

۹.جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**. تنظیم احمد واعظی. قم: مرکز نشر اسراء.

۱۰.حسنی، سیدرضا و مهدی علی‌پور. ۱۳۹۰. **پارادایم اجتهادی دانش دینی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۱. خرمائی، فرهاد. ۱۳۸۵. «علم خوب در علوم انسانی چه نوع علمی است؟ پرسشی درست یا غلط». **مجموعه مقالات اولین کنگره ملی علوم انسانی**. تهران: مرکز همایش‌های صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران.

۱۲. ــــــــــــ. ۱۳۹۰. «روان‌شناسی در پارادایم الهی». م**جموعه مقالات کنگره بین‌المللی روان‌شناسی و دین**. تهران: دانشگاه تهران.

۱۳.خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۳. در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی. قم: نشر معارف.

۱۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ محمد معین؛ سیدجعفر شهیدی و حسن احمدی گیوی. ۱۳۷۷. **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه.

۱۵. رشاد، علی‌اکبر. ۱۳۸۷. «معیار علم دینی». **ذهن**. ش۳۳.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]

۱۶. زاهد زاهدانی، سیدسعید. ۱۴۰۲. **جامعه‌شناسی با رویکردی سه‌وجهی**. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۷. سوزنچی، حسین. ۱۳۸۸. **معنا، امکان و راه‌کارهای تحقق علم دینی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۸. گلشنی، مهدی. ۱۳۸۵. **از علم سکولار تا علم دینی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. مصباح یزدی. محمدتقی. ۱۳۹۰. «علم دینی و اسلامی‌سازی علوم انسانی». **معارف**. ش۸۶، ص۱۶.
۲۰. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۴۰۱. **درآمدی بر ایده علوم انسانی اسلامی**. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۲۱. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۴۰۲. **تأملاتی در باب علم دینی**. تهران: مؤسسه فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۲۲. میرباقری، سیدمحمدمهدی. ۱۳۹۱. **جریان‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی**. مجموعه مقالات تحول در علوم انسانی. قم: کتاب فردا.
۲۳. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۸. «پارادایم شبکه‌ای (پارادایم علم دینی به‌مثابه پارادایم رقیب علوم انسانی موجود)». **فصلنامه حکمت اسلامی**. د۶، ش۴، صص۹-۳۷.
24. Antoniou.G.A, VonHarmelen.F,B. 2004. A semantic web primer. MIT press.
25. Bates, Marcia.J. 2005. "An Introduction to Metatheories, and Models". In:Theories of Information Behavior, Edited By Karen. E. Fisher, Sandra Erdelez and Lynne.e (E.D)Mckechnie, Medford, New Jersey:Information Today. pp1-24.
26. Corazzon.R,A. 2014."Theory and history of ontology. Ancient Greek and Roman Philosophy". Inquiry: An Interdisciplinary Journal of Philosophy. 43 (1): p. 21 - 37.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-10]